

نقد و بررسی نقاشی:

"شکارچیان در برف" / Hunters in the snow (winter) / ۱۵۶۵ / اثر: پیتر بروگل

مشخصات اثر: رنگ روغن روی چوب - اندازه: ۱۱۷*۱۶۳ سانتی متر

محل نگهداری: موزه‌ای در وین اتریش

منبع: خبرگذاری تحلیلی ایران - خبرآنلاین



“Pieter Bruegel the Elder” - The Painter and the Buyer, 1565

نقاشی در شمال اروپا

در قرن شانزدهم میلادی، همزمان با گسترش پروتستانیزم در اروپا، تقریباً نیمی از استان‌های سرزمین هلند مذهب پروتستان را برگزیدند و نیمی دیگر بر اندیشه کاتولیسیسم باقی ماندند. با این وجود هنرمندان و نقاشان سعی داشتند نقش‌مایه‌هایی را کار کنند تا از اعتراض پروتستان‌ها مصون بمانند.

اغلب اساتید این خطه از اروپا، به بازنمایی از طبیعت گرایش پیدا کردند. حتی ایتالیایی‌های پیشتاز در کشیدن پیکره‌های زیبا و در حال حرکت، بر تصویرپردازی فلاندریها (به منطقه بزرگی از فرانسه و بلژیک گفته می‌شد) از گل و درخت و آغل گوسفندان و ... معترف بودند.

چون امکان و بازار فروش و عرضه نقاشی‌های مذهبی و کلیسایی وجود نداشت، نقاشان هلندی به سراغ خلاقیت در سایر موضوعات و مضامین رفتند. از نقوش تفننی بر حاشیه‌ی کتابهای خطی قرون وسطی گرفته تا صحنه‌هایی از زندگی حقیقی که این دومی منجر به خلق سبک جدیدی در نقاشی با عنوان «نقاشی صحنه‌های روزمره» شد.

از جمله اساتید و نقاشان این سبک و دوره می‌توان از پیتر بروگل (پدر) نام برد.

پیتر بروگل (پدر) (۱۵۲۵ تا ۱۵۶۹ میلادی)، نقاش هلندی دوره اوج رنسانس است. به دلیل شهرتش در نقاشی از مناظر طبیعی و زندگی روزمره روستایی به او لقب بروگل روستایی نیز داده‌اند. مدتی را در فرانسه و ایتالیا گذراند و ده سال آخر عمرش را در بروکسل سپری کرد.

او دو پسر داشت که هر دو تحت تربیت مادر نقاش شدند. در تاریخ هنر نیز به دلیل هم نامی یکی از فرزندان با پدر، در مقابل اسم او کلمه پدر به کار می‌رود. هشت سال قبل از بروگل، مارتین لوتر آغازگر اصلاحات پروتستانی با انتشار اعلامیه ۹۵ ماده‌ای خود در آلمان، ظهور کرد و توجه عمده‌ی کلیسا به لوتر معطوف شد. اما بروگل بر آیین کاتولیکی خود باقی ماند. بروگل نقاشی‌هایی مذهبی نیز داشت اما به دلیل شرایط بحرانی از خانواده‌اش درخواست می‌کند تندروترین آثارش را بسوزانند تا بعد از مرگش خانواده از دست اصلاح‌گرایان لوتری در امان بمانند.

بروگل آفریننده‌ی نخستین تصاویر اعتراض اجتماعی در تاریخ هنر با تلفیقی از طنز فرهنگی و اجتماعی است. علاوه بر این آثارش منبع درجه یکی از مردم‌شناسی زندگی، جغرافیا، آداب و رسوم و فرهنگ مردمان قرن ۱۶ شمال اروپا به حساب می‌آید.

مضامین عمده‌ی آثار بروگل در اواخر ۱۵۵۰، طراحی‌های حکاکی شده با مضمون پرهیزگاری و هفت گناه کبیره بود. سایر مضامین روستایی آثار وی عبارت بودند از: زندگی معمولی روستایی، رویدادهای جمعی همچون عروسی، آیین‌ها، جشن و عیاشی و غیره. به عنوان نمونه تابلوی

«ضرب‌المثل‌های هلندی» شامل ۸۰ تا ۱۲۰ ضرب‌المثل هلندی است که با همان مفاهیم کنایه‌آمیز و طنزآلود ترسیم و در یک اثر گنجانده شده است. همچنین وی تابلوهایی دارد با محتوای ماه‌های سال. در کل از بروگل ۴۵ اثر باقی مانده است.

آثار این هنرمند در طول زمان بر آثار سایر هنرمندان پس از خود موثر واقع شده که می‌توان این تاثیرات را در اشعار شاعرانی همچون اَدن و ویلیام کارلوس ویلیامز و فیلم‌های آندری تارکوفسکی همانند سولاریس، آینه و کودکی ایوان مشاهده کرد.



توصیف اثر:

در پیشزمینه سمت چپ، درختانی بی‌برگ افراشته‌اند و چند شکارچی در حال بازگشت از شکار به همراه سگان شکاری خود دیده می‌شوند. کنار آنها کلبه‌ای است با تابلویی که به ظاهر مضمونی مذهبی دارد و اعضای خانواده‌ی آن کلبه در حال سوزاندن هیزم و علوفه هستند. پرستویی پرواز می‌کند و کلاغ‌ها بر روی شاخه‌های درختان کز کرده‌اند. برف سطح همه‌جا را پوشانده و ظاهراً این منظره در بلندترین نقطه واقع است که امکان اشراف بیننده به دورترین مناطق را فراهم می‌سازد. خانه‌های دهکده با فاصله از هم پراکنده‌اند و زمین‌های پوشیده از آب یخ‌زده‌اند. آدمهایی در دوردست روی یخ‌ها مشغول سرسره و بازی‌های محلی هستند. در پس‌زمینه تابلو کوه‌ها و صخره‌ها و صومعه و یا کلیسایی دیده می‌شود. دورترین نقاط هم با جزئیات جغرافیایی و آدم‌ها

ترسیم شده است. در میانه تصویر نیز می‌توان قندیل‌های یخ را بر کناره‌های پنجره‌ها و سقف‌های خانه‌ها مشاهده کرد.

تحلیل اثر:

کل اثر رئالیستی است و دارای روایت و داستان است. سوژه‌های اصلی در پیش‌زمینه و با جزئیات نقاشی شده‌اند. آنها با بدن‌هایی خمیده و سرهایی رو به پایین خسته و حتی کم‌تر از شکار، در حال بازگشت به درون روستا هستند. پوشیدگی برف و القای سرما در کلیت اثر در کنار شکارچیان، با ترسیم آتش تازه روشن شده‌ای که به سرعت در حال افزایش است تضادی ماهرانه‌ای را ایجاد کرده تا گرمای محیط خانوادگی به همراه امید برای تداوم زندگی را نوید دهد. این جریان و شور زندگی را می‌توان در میان‌زمینه و روی برکه‌های یخ‌زده نیز مشاهده کرد.

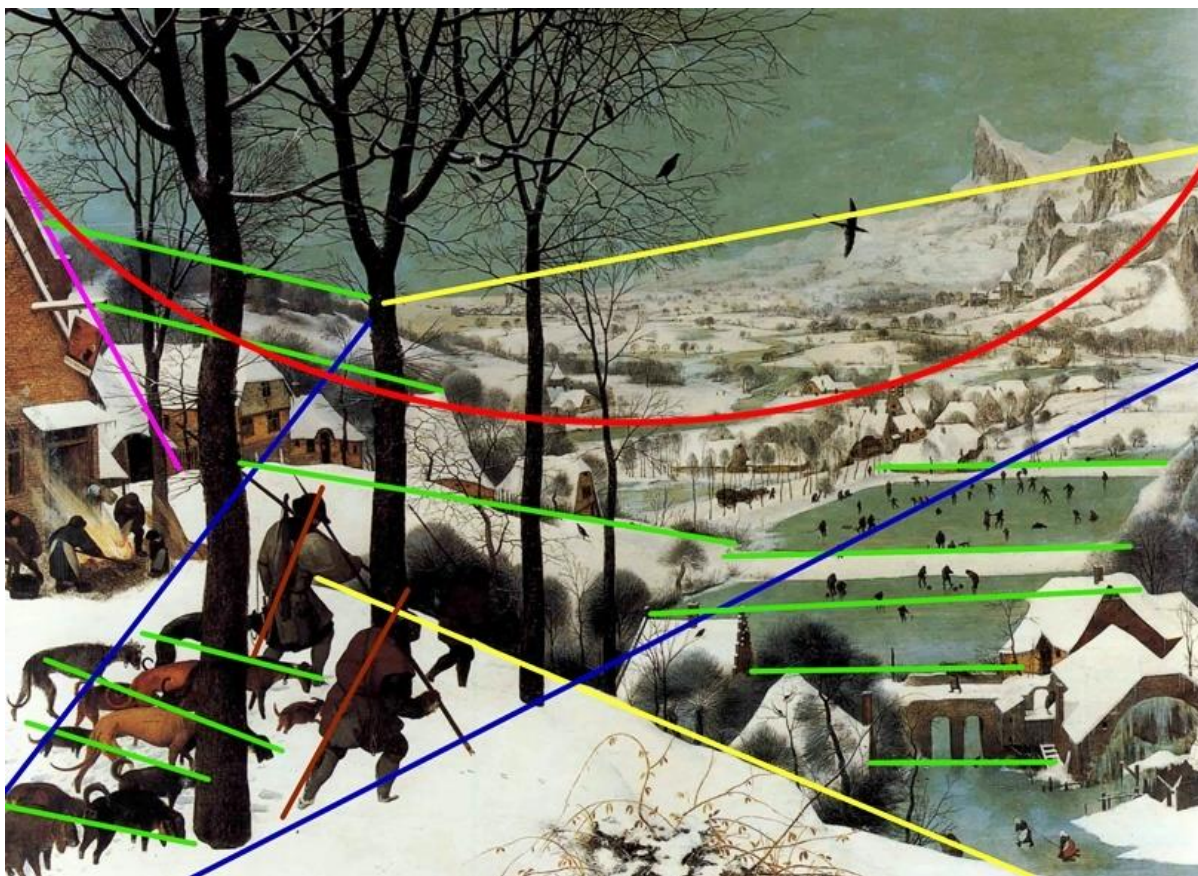
تقریباً یک سوم تابلو را شکارچیان و سگان و اهالی کلبه سمت چپ تشکیل داده و مابقی اثر نیز تا جایی که چشم کار می‌کند از کلبه‌ها، آدم‌ها و کوه‌ها شکل گرفته است. رنگ‌ها با غلظت و کنتراست موجود در بخش مقابل و بزرگی اندام افراد و حیوانات با کلیت سایر مناطق، توازن و تعادلی را صورت داده است که برخلاف تابلوهای کلاسیک آن دوره که بر مبنای تقارن این تعادل را می‌آفریدند، عمل می‌کند.

جو زمستانی مملو از آرامش است و پرواز پرستو پیام‌آور بهار. فضای کلی اثر کنجکاوی برانگیز است و چشم مخاطب را در گستره‌ی مکانی و جغرافیایی به دقت و گردش وامی‌دارد.

در نگاه نخست چه چیزی جلب توجه می‌کند؟ زمینه‌ی سفید و برفی، با موجوداتی تیره که بر بستر آن تضادهایی همگن و جاری آفریده است، نه مرده و بی‌تحرک. جستجو و کشف جزئیات زندگی و رفتار روزمره آدم‌ها به همان اندازه‌ی شکوه و عظمت آثار ایتالیایی دارای ارزش و اعتبار زیبایی‌شناسانه می‌باشد.

وسعت زمین‌های اطراف ده فکر شده و مدیریت شده ترسیم شده‌اند. شخصیت‌ها و آدم‌ها به لحاظ فردی، برتری و شاخصه‌ای ندارند. رفتارها و حرکات، دسته جمعی است و هویت جمع بر فرد تفوق دارد. در کل، روستایی بودن خود رخدادی جدی و مهم تلقی می‌شود.

سیر رنگ‌ها که به تدریج به عمق وارد می‌شویم از غلظت کمتری برخوردار می‌شود. وضوح و کنتراست رنگ‌ها در پیش‌زمینه بیشتر و تاثیرگذارتر است و از گرمی به سردی می‌گراید. ما سرما را به واسطه‌ی رنگ‌های مرده و بی‌رمق در عمق و دوردست‌ها بیشتر احساس می‌کنیم تا در مقابل. هم‌رنگی آسمان و برکه‌های یخ‌زده، جدایی‌ناپذیر بودن ترکیبات کلی محیط را به خوبی القا می‌کند. گویی مخاطب با جو و آسمانی مواجه می‌شود که بر بستر آن روستایی بنا شده است.



این اثر از نظم هندسی خاصی نیز برخوردار می‌باشد که نگارنده در حد امکان با خطوط رنگی آنها را آشکار ساخته است. نخست، جفت خطوط آبی و زرد که هر چه از پیش‌زمینه به پس‌زمینه می‌روند از هم فاصله می‌گیرند و پرسپکتیو (عمق میدان) معکوسی را شکل می‌دهند. این عمق میدان با ازدیاد فاصله مابین دو خط موازی که از ناظر دور می‌شوند به وجود می‌آید که کارکرد آن دعوت به گسترش نگاه مخاطب است.

خطوط سبز رنگ که تقریباً در همه جا موازی هستند، نظمی خاص را از ابتدای تصویر تا عمق آن شکل می‌بخشد. این خطوط بر ملایمت و نرمی فضا افزوده و از زمختی و سردی آن می‌کاهد. چشم مخاطب ناخواسته و ناخودآگاه با این خطوط پله پله تا عمق پیش رفته و باز می‌گردد. خط صورتی روی کناره‌ی کلبه نیز به حرکت دادن چشم از بالا به سطح یاری می‌رساند. و در نهایت خط منحنی دایره‌وار، نگاهمان را از منتهی‌الیه سمت چپ تابلو تا منتهی‌الیه سمت راست آن به نوسان وامی‌دارد و نرمی خاصی به حرکت چشم‌مانمان می‌دهد.

شکارچیان در برف، اثری است از زندگی و حرکت و پویایی در سردترین شرایط جوی و محیطی، که امید بخشی است بر لحظات ناکامی. شکارچیان با حداقل شکار به همراه سگ‌های شکاری سرافکنده‌شان رو به سوی کلبه‌هایی در حرکتند که رنگ‌های گرم دیواره‌ی خانه‌ها بر سفیدی درخشان برف‌های سرد، غلبه دارد.

بروگل با آثاری از این دست برخلاف رنسانسی‌های مدعی در فلورانس ایتالیا، به جای انتخاب سوژه‌های شگفت‌آور و پرطمطراق؛ بی‌ادعا و بی‌تکلف، اما هنرمندانه و با مرارت فراوان، روستاییان و آدم‌های معمولی را سوژه‌ی هنر نقاشی خود می‌کند و از ایشان به شکل اجتماعی زنده و پرتحرک، شخصیت‌هایی ماندگار می‌سازد.